

جشنی برای چشم‌ها اُوه لوش

در نگاه اول، طراحی‌های جلد کتاب مجید عباسی بسیار چشم‌نواز است. این طراحی‌ها نه تنها حرفه‌ای بلکه در یک کلام زیبا هستند. در کشوری مانند ایران با پیشینه‌ی گسترده‌ای که از کتاب‌آرایی دارد، این امر ساده نیست. بویژه اینکه امروزه اهمیت کتاب در سراسر جهان بیشتر با شمارگان فروخته شده سنجیده می‌شود تا با محتوا و یا حتی با طراحی خوب. تجارب طراحی گرافیک و تایپوگرافیک (ی) مجید عباسی در زمینه‌ی طراحی کتاب بهتر نیز می‌باشد. عناوین کتاب وی به واسطه تعامل بسیار هوشمندانه با تایپ و تصویر، متمایز است. او عناصر متنی و بصری را به شیوه‌ای موجز و بسیار ظریف در داخل فضای موجود نه مرتب، بلکه کارگردانی کرده است (مانند صحنه تئاتر). این به نفع وی است که واژه تایپوگرافی یا خوشنویسی شده در زمان چینی تغییر معنا می‌یابد، پدیده‌ای که وامدار وجود شگفت نوشتار فارسی است. واژه به تصویر بدل می‌گردد، به شیئی تزئینی که براساس عناوین کتاب مجید عباسی وارد رابطه‌ای ناب و نمادگونه با تصاویر مردم و اشیاء می‌شود. او تصاویر را همانقدر غیرمنتظره به کار می‌گیرد که متناسب و بجا. وضوح با تاری متناظر می‌شود و پُری با خلا. عناوین کتاب وی با ابزاری بی‌نهایت موجز طراحی می‌شود و به یمن قدرت بیانشان به شکل پوسترهایی کوچک به نظر می‌رسند که به طرز چشمگیری از تمام دنیا متمایز است. با این وجود، این خطر وجود دارد که کتب طراحی شده توسط مجید عباسی تنها به خاطر طراحی قوی‌شان خرید شده و مورد پسند قرار بگیرند. وخب، مگر آدم غیر از این چه می‌خواهد؟